

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

مقاله ای از زنده یاد فرزاد کمانگر

۲۲ مارچ ۲۰۲۲



زنده یاد فرزاد کمانگر

سال‌های تازه چقدر کهنه اند!!!...

پنجشنبه هشتم فروردین [حمل] ۱۳۸۷

همین چند روز پیش بود که با شروع هیجان بازار و رنگی شدن ویتترین بوتیک ها، شلوغ شدن خیابان ها و شیطننت بازی بچه ها و صدای مهیب دینامیت و ترقه یادم آمد که سال نو در راه است و نزدیک است که یک ورق دیگر از تاریخ باستانی ما ورق بخورد!!!!!! (خوب اگر سال باستانی ست، تبریک سال باستانی در سال جدید؟؟؟)

سال نو (سال ۸۷) و نوروز آن در حالی آغاز شد که پارادوکسی شبح وار و البته تکراری! دنیای مدرن با تمام خواست ها و مطالبات انسانی اش را بار دیگر به عقب می راند، تضادی بین فرهنگ و مناسبات پلاسیده جامعه ما با خواست ها و مناسبات مطلوب نسل جدید، کشمکش دیالکتیکی بین آن چیز که اتفاق افتاده و میل به سکون دارد با آن حوادثی که تمایل به بروز و ظهور را از خود نشان می دهند.

تخاصمی بین شروع یک سال جدید و تمام مطالبات نسل جدید که به نو شدن باید بینجامد، با تمام مناسبات تکراری و سنت‌هایی که به صدها سال پیش متعلق اند. تضاد بین درکی که مدیون رسانه، میدیا و هر آن چیز که ما در آفرینش آن نقشی نداشته ایم، با فرهنگی که ریشه در چرخ های تاریخ دارد و به ما متعلق نیست، حال آن که در همه حال و هر لحظه به پاس داشت آن، چه شعارها که نمی دهیم!!!

تبریک سالی تکراری که متعلق به عصرهای بسیار دور است، براستی بی معناست، چرا که سال جدید، تکرار لحظات تکراری و پشت سر گذرانیده دیروز در گذر لحظات امروز است.

تکرار سال‌های پلاسیده، انسان‌های کهنه را بازتولید خواهد کرد و انسان‌های کهنه، باردار روابط و سنت‌های به اعصار قبل و تکرار سنت‌ها و روابط کهنه، میل به سکون و بستن بستری برای نو شدن و نو بودن را به همراه خواهد داشت.

در سال جدید، نو بودن را فقط در لباس‌ها، بوتیک‌ها، بازار، سفره‌های پر زرق و برق که هر ساله بی‌رنگتر می‌شود، یا در آجیلی که کیلویی چندین هزار تومان است شاهدیم، حال آن‌که بسیاری از چیزهایی که تمایل به نو شدن دارند رمق و فضائی برای نو شدن نمی‌یابند. شاید سال جدید بهانه‌ای باشد که یادمان بیفتد که فضای اطراف‌مان را تا چه حد گرد و غبار فراموشی فراگرفته است و سازه‌ای کوتاه را به فرامین نو شدن گوش فرا دهیم و برآستی که نوشدن و بودن را چه قدر زود به فراموشی می‌سپاریم!!!

نوروز شاید ایامی باشد که اندکی به بچه‌های کوچک فضائی بیش‌تر و آزادتر برای خوش‌حالی و تفریح داده می‌شود یا برای خانواده‌ها بهانه‌ای باشد برای هم‌دیگر را دیدن و دور هم جمع شدن. ولی سؤال اصلی این‌جاست که آیا با گذر زمان و آمدن سال نو، مناسبات، افکار و تمام تعاریف زنده و پدیده‌ها، زمینه نو بودن را در محیط اطراف‌شان خواهند یافت؟ مگر نو شدن و نو بودن قانون و آئین مختص به خود را ندارد که باید آئین‌ها و مناسک کهن دو باره در باورها، اذهان و جوامع تداعی شوند؟ و اگر وجود دارند چه نیازی به عاریت گرفتن و بازتولید سنت‌های کهنه است؟ حال آن‌که می‌خواهیم هر آن‌چه هست دوباره از نو، نو شوند؟

آیا علاوه بر طبیعت، سبزه‌ها و کوه‌ها، فضاها، دیگر برای سبز شدن و سبز نگریستن انسان‌ها و نسل جدیدمان وجود خواهد داشت؟ آیا در سال جدید، اجازه فکر کردن و خود بودن، معنائی جدید خواهد یافت؟ یا در این سال سبز شدن، تعبیر زندان به کتابخانه یا موزه تغییر خواهد کرد؟ یا کارخانه‌های اسلحه‌سازی و مین‌سازی به کارخانه کنسرو سازی و پوشاک سازی بدل خواهند شد؟

آیا در سال جدید، مفهوم نوی به نام انسان به زن خواهیم داد؟ یا در این نو شدن جایی برای نو شدن نسل بعدی‌مان خواهیم یافت؟ در این گذر ایام، نو شدن برای کلمه تبعیض به چه معنا خواهد بود؟ یا این‌که کلام سنگین فقر تا چه حد به کلام ساده رفاه و خوش‌بختی نزدیک خواهد شد؟ آیا دست‌ها امسال برای فشردن دست‌های‌مان در هم است یا باز رسالت دست‌ها دراز کردن‌شان از روی نیاز خواهد بود؟ آیا جشن‌ها، مسافرت و لذت و شادی باز از آن اغنیاست یا مردم عادی نیز از آن بهره خواهند برد؟

سوالاتی از این قبیل، که همه ما این‌گونه سؤالات را از بر هستیم، ولی افسوس که هیچ وقت سعی نکرده ایم که جوابی برای آن‌ها بیابیم، یا اگر جوابی نیز یافته‌ایم، در برابر آن دم بسته ایم و اجازه داده‌ایم که سال‌های قبل در سالی که مدعی نو شدن است، باز برای ما تکرار شوند و ما چه قدر بی تفاوت و شاد، سال کهنه را دو باره به هم تبریک می‌گوییم!!!

آیا با گذر زمان و آمدن سال نو، مناسبات، افکار و تمام تعاریف زنده و پدیده‌ها، زمینه‌ی نو بودن را در محیط اطراف‌شان خواهند یافت؟